

۱

بخش



درستنامه

و سؤالات تشریحی

درس اول

چیستی فلسفه

در این درس می‌خوانیم

آشنایی با جایگاه دانش فلسفه در میان دانش‌ها و وجوه تمایز آن از سایر علوم
بیان فرایند تفکر و چگونگی شکل‌گیری تفکر فلسفی و توضیح تفاوت‌های آن از سایر دانش‌ها

مشاوره

بارم این درس در امتحان نوبت اول ۴ نمره و در نوبت دوم (نهایی) ۲ نمره است.

درس ۱

برای استفاده از فیلم آموزشی شب امتحان این درس QR-code مقابل را اسکن کنید.

فیلم شب امتحان

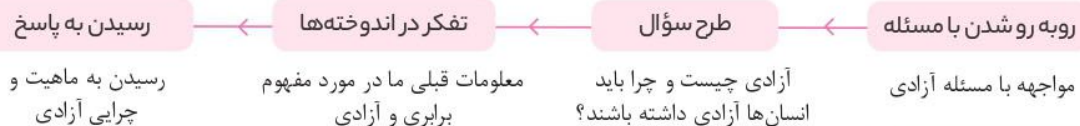
- مادر طول زندگی خود با مسائل مختلفی روبه‌رو می‌شویم که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توانیم این سؤالات را به دو بخش تقسیم کنیم:
- ۱ مسائل و سؤالات مربوط به زندگی روزمره؛ پرسش‌هایی از قبیل «امروز چه لباسی بپوشم، کدام کار را اول انجام دهم، چه غذایی بخورم و درباره کارم با چه کسی مشورت کنم و...»
- ۲ مسائلی و سؤالات خاص و فراتر از امور معمولی و زندگی روزمره؛ سؤالاتی مانند «مقصود ما از آزادی چیست، از برابری چه منظوری داریم، آیا اصولاً می‌توان آزادی را با برابری جمع کرد و...»

انسان و تفکر

- یکی از ویژگی‌های انسان، پرسشگری است و انسان‌ها کنجکاوی خود را با گفتن کلمه «چرا» بروز می‌دهند.
- هر سؤالی که برای ما پیش می‌آید گویای این است که چیزی را نمی‌دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم.
- تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌هاست. با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سؤالات را می‌یابیم و امور روزانه خود را سامان می‌دهیم.

بنابراین بدون تفکر، کاری از انسان، ساخته نیست.

■ مراحل تفکر در انسان



دو مرتبه از تفکر

۱ تفکر غیرفلسفی ← فطرت اول: پاسخ به سؤال‌های معمولی و روزانه

۲ تفکر فلسفی ← فطرت ثانی: پاسخ به سؤال‌های اساسی

نکته پس تفکر، دو قلمرو دارد: تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی

- اگر انسان با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) بپردازد و آن‌ها را جدی بگیرد و به دنبال یافتن پاسخ آن‌ها برآید در حال تمرین تفکر فلسفی است، اگرچه یک کارگر، فیزیک‌دان، پزشک یا دانش‌آموز باشد.

مراحل تفکر فلسفی



دانش فلسفه

- تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤالات اساسی، موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» شده است.
 - در واقع بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع‌کننده برای سؤالات اساسی، تصمیم‌گیری‌های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید.
 - دانش فلسفه، عهده‌دار بررسی قانونمند سؤالات اساسی است.
- نکته** از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی اهمیت پرسش‌های اساسی را دریافته و با دقت و تأمل فراوان برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

واژه فلسفه

- لفظ فلسفه، ریشه یونانی دارد و عربی شده کلمه «فیلسوفیا» است؛ فیلسوفیا (دوستداری دانایی) ← فیلو (دوستداری) + سوفیا (دانایی)
- **نکته** واژه فلسفه در یونان باستان، اختصاص به دانش خاص فلسفه نداشت و همه دانش‌ها را شامل می‌شد.
- «سقراط»، این واژه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد.
- دانشمندان زمان سقراط و قبل از او، خود را «سوفیست» یعنی دانشمند می‌خواندند.

۱ به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی

دلایلی که سقراط مایل نبود او را سوفیست بنامند

۲ شاید به خاطر هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها

- سقراط، خود را فیلسوفوس (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید.
- رفته رفته کلمه فیلسوف به مفهوم دانشمند ارتقا پیدا کرد و کلمه فلسفه نیز مترادف با دانش شد.

لفظ	معنای اولیه	معنای فعلی
فیلسوفوس (فیلسوف)	دوستدار دانش	دانشمند
سوفیست	دانشمند	مغالطه‌کار
فیلسوفیا (فلسفه)	دوستداری دانایی	دانش
سفسطه	دانش	مغالطه‌کاری

ویژگی‌های سوفیست‌ها

- ۱ بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند.
- ۲ دغدغه بیان واقعیت و دفاع از حقیقت را نداشتند.
- ۳ مهم‌ترین هدف خود را پیروزی بر رقیب می‌دانستند.
- ۴ در استدلال‌های خود بیشتر از مغالطه کمک می‌گرفتند.
- ۵ برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبودند.
- ۶ اعتقاد داشتند هر کس هرچه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است (نسبی بودن حقیقت).

نکته مغالطه، استدلالی است که ظاهراً درست به نظر می‌رسد اما در واقع غلط است.

- با گذشت زمان و پیشرفت دانش‌های مختلف، بر هر یک از شاخه‌های دانش، نام ویژه‌ای گذاشته شد و به تدریج، کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص (یعنی دانش فلسفه) به کار رفت.

فلسفه به معنای دانش خاص

فلسفه به معنای مطلق دانش

فلسفه به معنای دوستداری دانایی

ویژگی‌های فلسفه

• اساساً هر دانشی از دو جهت از سایر دانش‌ها متمایز و جدا می‌شود:

۱ از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می‌کند.

۲ از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین برای تشخیص ویژگی‌های فلسفه و تفاوت آن با سایر علوم باید به دو مبحث «موضوع» و «روش» فلسفه بپردازیم.

موضوع فلسفه: بنیادی‌ترین موضوعات

(صفحه ۹ کتاب درسی) - تفکیک

سؤال قبل از پرداختن به موضوع فلسفه، سؤال‌های زیر را به دقت مطالعه کنید و ببینید آیا می‌توان گفت برخی از آن‌ها تفاوت خاصی با دیگر سؤال‌ها دارند؟ آن‌ها را در دسته «الف» و بقیه را در دسته «ب» قرار دهید.

ردیف	سؤال‌ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		تاریخی
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟	x	
۳	خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟		فقهی
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟		تاریخی
۵	آیا هر چیزی دارای علت است؟	x	
۶	آیا زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن ماست؟	x	
۷	پیر شدن سلول‌ها اثر کدام عامل شیمیایی است؟		زیست‌شناسی
۸	آیا پدیده‌ها می‌توانند به اختیار خود موجود شوند؟	x	

• فلسفه درباره بنیادی‌ترین و نهادی‌ترین موضوعات جهان و انسان به بحث و بررسی می‌پردازد و پاسخ‌گوی عمیق‌ترین دغدغه‌های بشری است. فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می‌کند و این‌ها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می‌آیند.

تفاوت موضوع فلسفه با برخی علوم دیگر	
موضوع	علم
بنیادی‌ترین موضوعات	فلسفه
مقدار و کمیت	ریاضی
ساختمان مواد و ترکیب میان آن‌ها	شیمی
چگونگی کسب فضیلت‌ها و دوری از بدی‌ها	اخلاق

نکته به جای عبارت «بنیادی‌ترین موضوعات» می‌توان از الفاظ زیر هم استفاده کرد:

• نهادی‌ترین مسائل و موضوعات

• اصل و حقیقت هر چیز

• نهادی‌ترین پرسش‌ها درباره چیستی و چرایی امور

۱ آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟

۲ آیا هر چیزی، دارای علت است؟

۳ آیا زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن ماست؟

۴ آیا پدیده‌ها می‌توانند به اختیار خود موجود شوند؟

سؤالاتی در حوزه بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین مسائل و موضوعات

نمونه سؤالاتی که با موضوع فلسفه ارتباط دارند:

استفاده از روش عقلی و قیاسی

(صفحه ۱۰ کتاب درسی) - **تفکر**

سؤال همان طور که در کتاب منطق آموخته‌اید، برای رسیدن به علم معمولاً از روش‌هایی چون تجربه و استقرا و نیز قیاس استفاده می‌شود.

توضیح دهید که درباره هر کدام از این مسئله‌ها با کدام روش می‌توان تحقیق کرد و به نتیجه رسید.

به این مسئله‌ها توجه کنید:

- ۱ مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟
- ۲ چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می‌شود؟
- ۳ چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟
- ۴ آیا هر حیاتی پایانی دارد؟
- ۵ آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟

پاسخ ۱ استدلال قیاسی (شبیه فلسفه)

۲ استدلال استقرایی و تجربی (حوزه علوم طبیعی)

۳ استدلال استقرایی و تجربی (حوزه علوم انسانی)

۴ استدلال قیاسی (شبیه فلسفه)

۵ استدلال قیاسی (شبیه فلسفه)

• برای کسب دانش در علوم مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی از روش‌های تجربی استفاده می‌کنیم.

• در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی‌توان از حواس یا آزمایش بهره برد و در این موارد فقط باید به توانایی

عقل و استدلال‌های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

نکته مسائل فلسفی از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آن‌ها کمک نمی‌کند و فقط با عملیات فکری

و استدلالی باید به جواب مسئله‌ها دست یافت.

(صفحه ۱۱ کتاب درسی) - **به کار ببندیم**

سؤال ۱ کدام یک از افراد زیر بیشتر اهل تفکر فلسفی است؟

ا کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی را به خوبی آموخته و توضیح می‌دهد.

ب کسی که در آرای فیلسوفان می‌اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش محکم است، انتخاب و ارائه می‌کند.

۲ برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام‌هایی است. این گام‌ها به صورت نامرتب قرار گرفته‌اند؛ با توجه

به نظر خود، آن‌ها را به ترتیب بازنویسی کنید.

• داشتن معیار برای پذیرش پاسخ

• آگاهی از مجهولات و ندانسته‌های خود

۳ نکات اساسی مربوط به هریک از عناوین درس را استخراج و در جدول زیر یادداشت کنید. سپس یادداشت‌های خود را با دیگران مقایسه نمایید.

عنوان	نکات اساسی

۴ اگر بخواهیم رابطه «تفکر» با «تفکر فلسفی» را به صورت دو دایره ترسیم کنیم، این دو دایره به شکل کدام یک از صورت‌های زیر خواهد بود، چرا؟



۵ در میان عبارت‌های زیر، عبارت‌های صحیح را انتخاب کنید.

آ تفکر فلسفی، تفکر در حوزه فطرت اول و فلسفه تفکر در حوزه فطرت ثانی است.

ب تفکر دو قلمرو دارد؛ تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی.

پ تفکر فلسفی و فلسفه، هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می‌گیرند.

ت در فلسفه هم تفکر فلسفی صورت می‌گیرد، اما به شکل نظام‌مند و تخصصی.

ث کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطرت اول ندارد.

۶ فلسفه، از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟

پاسخ ۱ کسی که در آرای فیلسوفان می‌اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش محکم است، انتخاب و ارائه می‌کند.

۲

آ داشتن معیار برای پذیرش پاسخ

ب جست‌وجوی پاسخ برای سؤالات

پ آگاهی از مجهولات و ندانسته‌های خود

ت ارائه استدلال صحیح

۳

عنوان	نکات اساسی
تفکر	زندگی انسان با تفکر همراه است. تفکر، راه اصلی کسب علم و دانش در هنگام تفکر، انسان استدلال‌سازی می‌کند.
تفکر فلسفی	برخی انسان‌ها توجهشان به مسئله‌های فلسفی جلب نمی‌شود. برخی انسان‌ها از سؤال‌های معمولی عبور می‌کنند و اهل تفکر در مسئله‌های فلسفی هستند.
فلسفه	فلسفه یک دانش ویژه است که قوانین خاص خود را دارد. کسی می‌تواند به سؤال‌های فلسفی پاسخ دقیق بدهد که در این دانش تخصص داشته باشد.
ویژگی‌های فلسفه	فلسفه در موضوع و روش با دانش‌های دیگر فرق دارد. موضوع فلسفه بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات است. روش استدلال در فلسفه استدلال قیاسی است.

۴



۵ غلط؛ زیرا حوزه فطرت اول همان مسائل عادی و روزمره زندگی است و تفکر فلسفی، تفکر در سؤال‌های اساسی و بنیادین است.

ب صحیح؛ آن‌گونه که ملاصدرا بیان کرده، مسائل ما دو دسته هستند: دسته اول: مسائل جاری و روزمره زندگی که مربوط به همین حیات دنیوی ماست؛ از قبیل تغذیه، تولیدمثل، مسکن، معاشرت با هم، اقتصاد، سیاست و نظایر آن، که این‌ها مربوط به فطرت اول‌اند.

دسته دوم: مسائل اساسی و بنیادین حیات انسان هستند، مانند حقیقت انسان، سعادت وی، آغاز و انجام جهان و چیستی حیات.

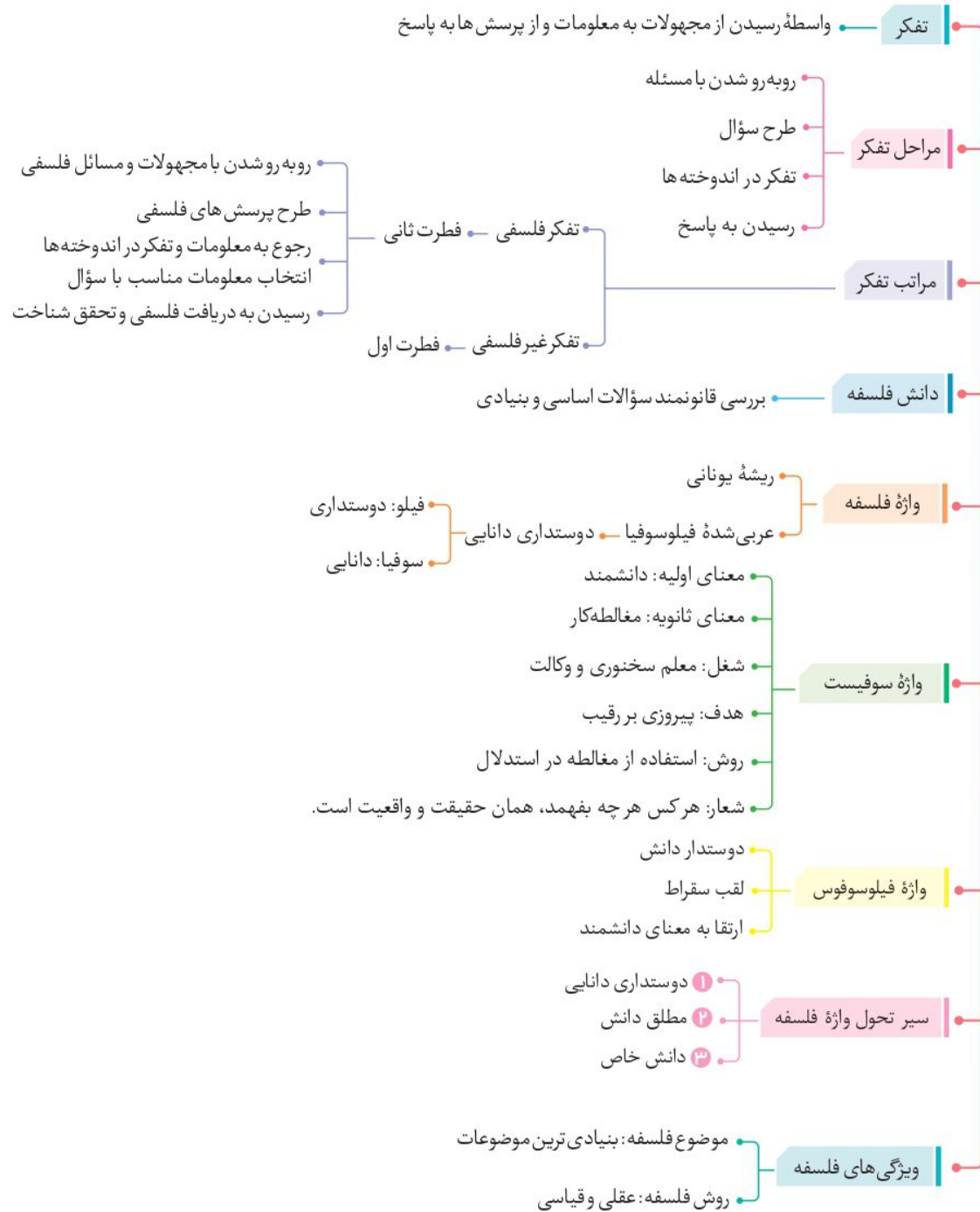
پ صحیح؛ زیرا هم در تفکر فلسفی و هم در فلسفه بحث پیرامون مسائل بنیادین و اساسی است و لذا هر فیلسوفی دارای تفکر فلسفی هم هست. البته بیشتر افراد وارد تفکر فلسفی می‌شوند و سؤالات فلسفی را جدی می‌گیرند و به دنبال پاسخ آن هم می‌روند، اما وارد رشته تخصصی فلسفه نمی‌شوند. این‌ها تفکر فلسفی دارند، اما متخصص فلسفه نیستند.

ت صحیح؛ همان‌طور که در بالا توضیح داده شده است.

ث غلط، زیرا تفکر فلسفی ما را بی‌نیاز از تفکر در مسائل روزمره زندگی نمی‌کند. آن‌چه نادرست است، این است که کسی در همان فطرت اول بماند و وارد فطرت ثانی نشود.

۶ فلسفه از جهت موضوع با ریاضیات اختلاف دارد، اما از جهت روش با آن مشترک است.

درس در یک نگاه



سؤالات تشریحی

درس ۱: چیستی فلسفه

سؤالات صحیح / غلط

۱. یکی از ویژگی‌های انسان پرسش‌گری است.
۲. نمی‌توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست.
۳. در میان انبوه اندیشه‌های روزانه گاهی برخی از سؤال‌های خاص ما را به تفکر وامی‌دارند.
۴. تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌هاست.
۵. در مرحله تفکر فلسفی، انسان با سؤال‌های معمولی و روزانه مواجه و به دنبال پاسخ آن‌هاست.
۶. در مرحله اول تفکر، انسان با جدیت و پیوسته به سوال‌های اساسی و بنیادی می‌پردازد که به تفکر فلسفی معروف است.
۷. مقصود ابن‌سینا از فطرت اول همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها است.
۸. طبق دیدگاه ملاصدرا، ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها مربوط به فطرت اول است.
۹. مطابق دیدگاه سقراط، فطرت دوم مرحله برتر و عالی‌تر فطرت به شمار می‌رود.
۱۰. تلاش‌های بشر برای پاسخ قانون‌مند به سؤال‌های اساسی موجب ظهور دانش «فلسفه» شده است.
۱۱. فلسفه فقط درباره حقیقت انسان و طبیعت بحث می‌کند.
۱۲. دانشمند علم تجربی همواره در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می‌کند.
۱۳. برخی از مسائل فلسفی را می‌توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست‌وجو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد.
۱۴. مسائل فلسفی مانند مسائل ریاضی نیستند که فقط با عملیات فکری می‌توان به حل آن‌ها پرداخت.
۱۵. لفظ فلسفه معرب کلمه «فیلسوفوس» به معنای «دوستدار دانایی» است.
۱۶. لفظ فلسفه معرب کلمه فیلسوفیا و به معنی دوستداری دانایی است.
۱۷. لفظ یونانی «فیلسوفیا» به معنای «دوستدار دانش» می‌باشد.
۱۸. فیلسوفوس به معنای «دوستدار دانایی» رفته رفته به مفهوم مغالطه‌کار تبدیل شد.
۱۹. کلمه فیلسوفوس به تدریج مترادف با دانشمند شد و کلمه فلسفه مترادف با دانش شد.
۲۰. کلمه فیلسوفوس به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه‌کار به خود گرفت.
۲۱. افلاطون به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند.
۲۲. سقراط به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند.
۲۳. اکنون معنای رایج سوفیست، مغالطه‌کار است.
۲۴. لفظ «فلسفه» ریشه یونانی دارد و از کلمه سوفیست گرفته شده است.
۲۵. دغدغه برخی از سوفیست‌ها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت بود.
۲۶. پیروزی بر رقیب مهم‌ترین هدف سقراط بود.
۲۷. استدلال‌هایی که ظاهراً درست اما واقعاً غلط هستند، مغالطه یا سفسطه نامیده می‌شوند.
۲۸. فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می‌کند.

سؤالات جای خالی

۲۹. واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌ها است.
۳۰. مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آن‌هاست، نام دارد.
۳۱. مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال‌های اساسی و بنیادی می‌پردازد، به معروف است.

۳۲. مقصود ملاصدرا از همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها است.
۳۳. طبق دیدگاه ملاصدرا، ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها مربوط به است.
۳۴. مطابق دیدگاه ملاصدرا، مرحله برتر و عالی‌تر فطرت به شمار می‌رود.
۳۵. لفظ فلسفه، مُعرب کلمه فیلسوفیا به معنای است.
۳۶. معنای اولیه لفظ فلسفه بود.
۳۷. فیلسوف بزرگ یونانی که واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد بود.
۳۸. معنای کلمه فلسفه به تدریج ارتقا پیدا کرد و مترادف با شد.
۳۹. کلمه فیلسوفوس که در اصل به معنی دوستدار دانایی بود رفته رفته به مفهوم ارتقا یافت و کلمه فلسفه مترادف با شد.
۴۰. کلمه سفسطه در زبان عربی از لفظ گرفته شده و اکنون معنای رایج آن است.
۴۱. لفظ یونانی‌ای که در آغاز به معنای دانشمند بود و به تدریج معنای آن تنزل یافت می‌باشد.
۴۲. اکنون معنای رایج کلمه سفسطه است.
۴۳. لفظ سوفیست اکنون به معنای است.
۴۴. دغدغه برخی از سوفیست‌ها که بیشتر به تعلیم و اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود.
۴۵. پیروزی بر رقیب مهم‌ترین هدف بود.
۴۶. استدلال‌هایی که ظاهراً درست اما واقعاً غلط هستند، نامیده می‌شوند.
۴۷. سقراط به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند و وی خود را نامید.
۴۸. تلاش‌های بشر برای پاسخ به سؤال‌های ویژه و اساسی موجب ظهور دانش فلسفه گشته است.
۴۹. موضوع و روش فلسفه به ترتیب و است.
۵۰. فیلسوف در اصل و جهان، طبیعت و انسان کاوش می‌کند.
۵۱. مسئله‌های فلسفی مانند مسئله‌های ، فقط با عملیات می‌توان به حل آن‌ها پرداخت.

سؤالات پاسخ کوتاه

۵۲. دو مرتبه تفکر در انسان را نام ببرید.
۵۳. واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌ها چیست؟
۵۴. مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آن‌هاست، کدام است؟
۵۵. مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال‌های اساسی و بنیادی می‌پردازد، چه نامیده می‌شود؟
۵۶. فطرت اول را در یک سطر توضیح دهید.
۵۷. فطرت دوم را در یک سطر توضیح دهید.
۵۸. مطابق دیدگاه ملاصدرا، چه مرحله‌ای، مرحله‌ای برتر و عالی‌تر فطرت به شمار می‌رود؟
۵۹. دانش فلسفه عهده‌دار بررسی قانون‌مند چه مسائلی است؟
۶۰. کلمه فیلسوفیا مرکب از چند کلمه و هر کدام به چه معناست؟
۶۱. کدام فیلسوف یونانی، واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد؟
۶۲. دانشمندان زمان سقراط و قبل از وی، خود را چه می‌نامیدند؟
۶۳. سوفیست‌ها چه علمی را ترویج می‌کردند؟ نام ببرید.
۶۴. مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها چه بود و برای رسیدن به این مقصود از چه روشی استفاده می‌کردند؟

۶۵. کلمه «سفسطه» از چه لفظی گرفته شده و معنای رایج آن چیست؟
 ۶۶. سقراط به دو دلیل مایل نبود او را سوفیست بنامند. یکی از آن دلایل را بنویسید.

سوالات پاسخ بلند

۶۷. چه زمانی بر هر یک از شاخه‌های دانش نام ویژه‌ای گذاشته شد و کلمه فلسفه برای چه نوع دانشی به کار رفت؟
 ۶۸. سه نمونه از سؤال‌های اساسی و بنیادی که گاه و بی‌گاه در میان انبوه افکار و اندیشه‌های روزانه خودنمایی می‌کنند و ساعاتی طولانی ما را به تفکر و اداری می‌نمایند، نام ببرید.
 ۶۹. هر سؤالی که برای ما پیش می‌آید، گویای چه چیزی است؟
 ۷۰. وقتی که از خود می‌پرسیم: «امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه» این سخن به چه معناست؟
 ۷۱. مراحل اندیشه‌ورزی در انسان را به ترتیب بنویسید.
 ۷۲. مقصود از تفکر غیر فلسفی چیست؟
 ۷۳. مقصود از تفکر فلسفی چیست؟
 ۷۴. چه زمانی می‌توان گفت که انسان وارد مرحله تمرین تفکر فلسفی شده است؟
 ۷۵. تفاوت تفکر غیر فلسفی و تفکر فلسفی در چیست؟
 ۷۶. مراحل تفکر فلسفی در انسان را به ترتیب بنویسید.
 ۷۷. مقصود ملاصدرا از فطرت اول و فطرت دوم چیست؟
 ۷۸. مطابق نظر ملاصدرا، ماندن در کدام قلمرو فطرت، شایسته انسان نیست و رسیدن به کدام قلمرو مطلوب اوست؟
 ۷۹. چه عاملی باعث ظهور فلسفه شده است؟
 ۸۰. ریشه لفظ فلسفه چیست و به چه معنا است؟
 ۸۱. معنی اصلی و معنی ارتقا یافته دو واژه «فیلسوفیا» و «فیلسوفوس» را بنویسید.
 ۸۲. سوفیست‌ها چه کسانی بودند و چه عقیده‌ای داشتند؟
 ۸۳. لفظ سوفیست چیست و به چه معناست و عقیده آن‌ها را بیان کنید.
 ۸۴. سوفیست در ابتدا به چه معنا بود؟ سپس چه معنایی به خود گرفت؟
 ۸۵. معنای کلمات فیلسوفوس، سوفیست، سفسطه را بنویسید.
 ۸۶. چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست بنامند و او خود را چه می‌نامید؟
 ۸۷. سیر تاریخی کاربرد فلسفه را به ترتیب بنویسید.
 ۸۸. اساساً هر دانشی از دو جهت از سایر دانش‌ها متمایز و جدا می‌شود. آن دو جهت کدام‌اند؟
 ۸۹. علوم مختلف و فلسفه هر کدام موجودات را از جهت موضوع چگونه بررسی می‌کند؟
 ۹۰. موضوع فلسفه را با موضوع سایر علوم مقایسه کنید.
 ۹۱. فیلسوف در چه امور و مسائلی کاوش می‌کند؟ و این امور چه اهمیتی در سایر علوم مختلف دارند؟
 ۹۲. فلسفه عهده‌دار بررسی چه مسائلی است؟
 ۹۳. دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش‌ها دارد؟
 ۹۴. تفاوت روش فلسفه با علوم مختلف مانند شیمی، جامعه‌شناسی و اقتصاد به هنگام کسب دانش را بنویسید.
 ۹۵. روش تفکر فلسفی چگونه روشی است؟ توضیح دهید.
 ۹۶. چرا مسائل فلسفی از جهت روش شبیه به مسئله‌های ریاضی هستند؟

۲
بخش



پاسخ نامه

چستی فلسفه

درس ۱

۱	صحیح	۲	غلط	۳	صحیح	۴	صحیح
۵	غلط	۶	غلط	۷	غلط	۸	غلط
۹	غلط	۱۰	صحیح	۱۱	غلط	۱۲	غلط
۱۳	غلط	۱۴	غلط	۱۵	غلط	۱۶	صحیح
۱۷	غلط	۱۸	غلط	۱۹	صحیح	۲۰	غلط
۲۱	غلط	۲۲	صحیح	۲۳	صحیح	۲۴	غلط
۲۵	غلط	۲۶	غلط	۲۷	صحیح	۲۸	صحیح
۲۹	تفکر	۳۰	تفکر غیر فلسفی	۳۱	تفکر فلسفی	۳۲	فطرت اول
۳۳	فطرت دوم (ثانی)	۳۴	فطرت دوم	۳۵	دوستداری دانایی	۳۶	دوستداری دانایی
۳۷	سقراط	۳۸	دانش یا دانایی	۳۹	دانشمند - دانش	۴۰	سوفیست - مغالطه‌کاری
۴۱	سوفیست	۴۲	مغالطه‌کاری	۴۳	مغالطه‌کار	۴۴	سخن‌وری - وکالت
۴۵	سوفیست‌ها	۴۶	مغالطه یا سفسطه	۴۷	فیلسوفوس	۴۸	قانون‌مند
۴۹	وجود (هستی، مطلق وجود) - عقلی و قیاسی	۵۰	وجود - حقیقت	۵۱	ریاضی - فکری	۵۲	تفکر غیر فلسفی - تفکر فلسفی
۵۳	تفکر	۵۴	تفکر غیر فلسفی	۵۵	تفکر فلسفی	۵۶	مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها
۵۷	ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آنها	۵۸	فطرت دوم	۵۹	مسائل و سؤال‌های مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی	۶۰	دو کلمه فیلو به معنی دوستداری و سوفیا به معنی دانایی
۶۱	سقراط	۶۲	سوفیست	۶۳	سخن‌وری و وکالت	۶۴	پیروزی بر رقیب - مغالطه
۶۵	سوفیست - مغالطه‌کاری	۶۶	تواضع و فروتنی - هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها	۶۷	باگذشت زمان و پیشرفت دانش‌های مختلف - به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.	۶۸	مقصود ما از آزادی چیست؟ از برابری چه منظوری داریم؟ آیا اصولاً می‌توان آزادی را با برابری جمع کرد؟
۶۹	گویای آن است که چیزی را نمی‌دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم.	۷۰	بدین معناست که هنوز نمی‌دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.	۷۱	روبه‌رو شدن با مسئله - طرح سؤال - تفکر در اندوخته‌ها - رسیدن به پاسخ.		

۷۲	زمانی که انسان با سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آن‌هاست (مرحله اول تفکر).
۷۳	اگر انسانی از مرحله اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر یعنی، تفکر فلسفی شده است.
۷۴	اگر انسان با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) بپردازد و آن‌ها را جدی بگیرد و به دنبال یافتن پاسخ آن‌ها برآید در حال تمرین تفکر فلسفی است، اگرچه یک کارگر، فیزیک‌دان، پزشک یا دانشجو یا دانش‌آموز باشد.
۷۵	در تفکر غیرفلسفی، انسان با همان سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آن‌هاست (مرحله اول تفکر). اما تفکر فلسفی زمانی است که انسان از مرحله اول تفکر عبور می‌کند و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) می‌پردازد و وارد مرتبه دوم تفکر می‌شود.
۷۶	روبه‌رو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی - طرح پرسش‌های فلسفی - رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
۷۷	«فطرت اول»: مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها «فطرت دوم»: ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها (مرحله عالی و برتر)
۷۸	وی، فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد که بکوشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی (مرحله‌ای برتر و عالی‌تر) برسند.
۷۹	تلاش‌های بشر برای پاسخ قانون‌مند به سؤال‌های اساسی و بنیادی
۸۰	فلسفه ریشه یونانی دارد و مُعرب کلمه فیلسوفیا به معنای دوستداری دانایی است.
۸۱	معنی اصلی فیلسوفیا: دوستداری دانایی و معنای ارتقایی آن، دانش است. معنی اصلی فیلسوفوس: دوستدار دانایی و معنای ارتقایی آن دانشمند است.
۸۲	کسانی که برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده و می‌گفتند هرکس هرچه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.
۸۳	دانشمند، برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده و می‌گویند هرکس هرچه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.
۸۴	در ابتدا به معنی دانشمند به کار می‌رفت ولی به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه‌کار به خود گرفت.
۸۵	دوستدار دانایی، دانشمند، مغالطه‌کاری
۸۶	به دلیل ۱- تواضع و فروتنی ۲- هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها، خود را فیلسوفوس یعنی دوستدار دانایی نامید.
۸۷	به معنای دوستداری دانایی - به معنای مطلق دانش - به معنای دانش خاص

۸۸ | از جهت موضوعی که آن دانش دربارهٔ آن بحث می‌کند. از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد

۸۹ | هر علمی دربارهٔ موضوع خاصی بحث می‌کند. مثلاً موضوع دانش ریاضیات، مقدار و کمیت است. سایر علوم نیز هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازند و بحث می‌کنند؛ اما فلسفه این‌گونه نیست. فلسفه دربارهٔ یک موجود خاص بحث نمی‌کند، بلکه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد. ۹۰ | سایر علوم هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازند. اما فلسفه دربارهٔ یک موجود خاص بحث نمی‌کند، بلکه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد.

۹۱ | فیلسوف دربارهٔ آن دسته از ویژگی‌های موجودات صحبت می‌کند که مربوط به هستی و موجودیت آنهاست. به همین دلیل، مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم به‌شمار می‌آیند.

۹۲ | دانش فلسفه عهده‌دار بررسی قانون‌مند سؤال‌های اساسی و بنیادی است.

۹۳ | از لحاظ موضوع فلسفه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد، و روش آن عقلی است.

۹۴ | برای کسب دانش در علمی مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی از روش‌های تجربی استفاده می‌کنیم. اما در مسائل فلسفی فقط باید به توانایی عقل و استدلال‌های عقلی تکیه کرد و با تفکر، تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسئله و کشف مجهول پرداخت.

۹۵ | در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی‌توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال‌های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسئله و کشف مجهول نائل شد.

۹۶ | زیرا میکروسکوپ و آزمایشگاه و تجربه و حواس به حل آن‌ها کمکی نمی‌کنند و فقط با عملیات فکری می‌توان به حل آن‌ها پرداخت.

ریشه و شاخه‌های فلسفه

۹۷ | صحیح | ۹۸ | غلط | ۹۹ | صحیح | ۱۰۰ | صحیح

۱۰۱ | غلط | ۱۰۲ | غلط | ۱۰۳ | غلط | ۱۰۴ | غلط

۱۰۵ | غلط | ۱۰۶ | صحیح | ۱۰۷ | غلط | ۱۰۸ | غلط

۱۰۹ | صحیح | ۱۱۰ | صحیح | ۱۱۱ | غلط | ۱۱۲ | صحیح

۱۱۳ | ریشه و اساس - شاخه‌ها و ستون‌های | ۱۱۴ | وجود

۱۱۵ | هستی (وجود) | ۱۱۶ | امکان شناخت - هستی

۱۱۷ | چگونه - ابزاری

۱۱۸ | هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی

۱۱۹ | هستی‌شناسی

۱۲۰ | معرفت‌شناسی

۱۲۱ | وجودشناسی - معرفت‌شناسی

۱۲۲ | فلسفه‌های مضاف

۱۲۳ | فلسفه علوم اجتماعی

۱۲۴ | افراد - جامعه | ۱۲۵ | لیبرالیسم

۱۲۶ | شرایط | ۱۲۷ | سوسیالیسم

۱۲۸ | وجودشناسی - معرفت‌شناسی

۱۲۹ | هستی‌شناسی یا وجودشناسی (متافیزیک یا مابعدالطبیعه)

۱۳۰ | معرفت‌شناسی | ۱۳۱ | فلسفه علوم اجتماعی

۱۳۲ | آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد؟

۱۳۳ | لیبرالیسم - سوسیالیسم

۱۳۴ | دیدگاه کسانی که هم به اصالت فرد اعتقاد دارند و هم به اصالت جامعه

۱۳۵ | بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.

۱۳۶ | بخش‌های فرعی که به منزله شاخه‌ها و فروع فلسفه‌اند، آن دسته از دانش‌های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می‌کنند.

۱۳۷ | بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است و بخش‌های فرعی که به منزله شاخه‌ها و فروع فلسفه‌اند، آن دسته از دانش‌های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می‌کنند.

۱۳۸ | فیلسوفان تلاش می‌کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به‌دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه و از آن‌جا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد.

۱۳۹ | (آ) دربارهٔ قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می‌کند.

(ب) توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۱۴۰ | اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که: «وجود بردو قسم مادی و مجرد از ماده است.» چنین کسی در انسان‌شناسی فلسفی خود می‌تواند بگوید که «انسان» نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است.

۱۴۱ | کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد است، در علمی همانند اخلاق و روان‌شناسی به ویژگی‌های بُعد مجرد او هم می‌پردازند.